

چند پیشنهاد در تصحیح ترجمان البلاغه

مجید منصوری*

یکی آراسته‌ست از بهر مهمان^۲
برهنه شاعر و درویش و زایر
به ایران از عطای شاه ایران^۳
یکی دیبا فرو ریزد به رزمه
یکی دینار بر سنجد به کپان

(رادویانی، همان: ۱۴۳)

پیشنهاد ما «ایوان» است به جای نخستین «ایران» در مصرع دوم از بیت سوم. با اندک دقت و با توجه به ابیات پیشین مشخص است که سخن از بخشش‌های گنج شاه است در کاخ وی و میهمان و زایر در ایوان کاخ با پادشاه دیدار می‌کرده‌اند. همچنین با پذیرفتن این پیشنهاد، واژه ایران نیز در یک مصراع دو بار تکرار نمی‌شود. قطران گفته است:

چو تیغ تیز بنماید در آورد
چو کف راد بگشاید در ایوان

(قطران تبریزی، دیوان: ۲۹۸)

در بیت ذیل از شاهنامه نیز سخن از هدیه‌دادن در ایوان شاهی است:

همان تازیان را بسی هدیه داد
از ایوان شاهی برفتند شاد

(فردوسی، ۱۳۸۲: ۱۳۱۵/۲)

ج. در فصل ارسال المثل ابیاتی از عنصری آورده که بیتی از آن میان چنین است:

مدار نام نکو گرد فعل نیک بود
که فعل نیکو فضلست و نام نیک ز کواست^۴

(رادویانی، همان: ۱۷۸)

پیشنهاد ما این است که ضبط صواب مصرع دوم شاید این گونه

همان گونه که از عنوان این تحقیق بر می‌آید، در این جستار سه فقره تصحیح قیاسی برای برخی شواهد ترجمان البلاغه پیشنهاد داده شده است؛ بنابراین هیچ گونه اصراری بر این که صورت اصیل عبارات مورد بحث همان است که پیشنهاد داده شده، وجود ندارد.

الف. در فصل تشبیه به بیتی از عمّاره اشاره رفته است: «عمّاره گوید:

جای کمرت شعر عماره‌ست همانا
کز یافتنش خیره شود وهم خردمند»

(رادویانی، ترجمان البلاغه: ۱۵۱)

بر اساس این بیت، شعر عمّاره به کمر ممدوح تشبیه شده و وجه شبه آن نیز «خیره‌شدن وهم خردمند از یافتن آن» است. حال آن که به نظر می‌رسد «کمرت» تصحیف «گهرت» باشد و باز هم تشبیه شعر به گهر (گوهر) فراوان در ادبیات ما به کار رفته است. ناصر خسرو گفته:

گهر یابد به شعر حجت اندر طبع، خواننده
اگر هرگز به شعر اندر گهر یابد کسی مدغم

(ناصر خسرو، دیوان: ۸۳)

نیز، مولوی گوید:

پیششان شعری به از صد تنگ شعر
خاصه شاعر کو گهر آرد ز قعر

(مولوی، مثنوی: دفتر چهارم، بیت ۱۱۸۸)

ب. در متضاد: هم او راست (عنصری) (هزج):

همیشه گنج و کاخ شاه گیتی
بوافر مال و نعمت‌های الوان
یکی پیراسته‌ست از بهر زایر

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران

۱. همچنین نک: دهخدا، لغت‌نامه، ذیل «تشبیه». ۲. این دو بیت از دیوان عنصری، افزوده گشت (نک: عنصری، دیوان: ۲۶۹-۲۷۰).

۳. دیوان: «در ایران». ۴. اصل: «رکواست».

- سوزنی سمرقندی، دیوان، مقدمه و تصحیح ناصرالدین شاه‌حسینی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۸.
- عنصری بلخی، دیوان، به تصحیح محمد دبیرسیاقتی، تهران: سنائی، ۱۳۶۳.
- فردوسی، حکیم ابوالقاسم، شاهنامه، بر اساس چاپ مسکو، تهران: هرمس، ۱۳۸۲.
- قطران تبریزی، دیوان، از روی نسخهٔ نخجوانی، به اهتمام حسین آهی، تهران: مؤسسهٔ مطبوعات خزر، بی‌تا.
- مولوی بلخی، مثنوی، به همت رینولد نیکلسون، تهران: مولی، ۱۳۶۳.
- ناصر خسرو قبادیانی، دیوان، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

بوده است: «که فعل نیکو فضلست و نام نیک بقاست» در همان مصرع اگر حرف «ر» را در نظر نگیریم بر ارباب فن آشکار است که «کواست» می‌تواند تصحیف «بقاست» باشد و حروف «ق» و «و»، در اتصال، به‌آسانی به یکدیگر تصحیف می‌شوند. سوزنی گفته:

رضای صدر جهان و سیف دین پسرش
به نیک‌نامی کاندرد وی است طول بقا

(سوزنی، دیوان: ۸)

منابع:

- رادویانی، محمد بن عمر، ترجمان‌البلاغه، تصحیح احمد آتش، به کوشش توفیق سبحانی و اسماعیل حاکمی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷؛ لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.

قدردانی و یادآوری

خوانندگان فرهیخته و پژوهشگران ارجمند

اگر مایلید دوماهنامه گزارش میراث و دوفصلنامه آینهٔ میراث با دلگرمی و امید بیابند، با پرداخت وجه اشتراک سالانه، ما را در پیمودن این راه پرمشقت یاری کنید. اشتراک نشریات میراث مکتوب به ما اطمینان می‌دهد که خوانندگان به ماندگاری این نشریات علاقه‌مندند و خود را عضوی از خانوادهٔ بزرگ میراث مکتوب می‌دانند. با پشتگرمی به حمایت‌های صمیمانهٔ شما قادر خواهیم بود آثار مرکز را با بهای مناسب و با ارسال رایگان به دست خواستاران آن در سراسر جهان برسانیم.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

